

نیم نگاه

البرادعی با کمپین یک میلیون امضا

مبارزات انتخاباتی ریاست‌جمهوری مصر شروع شده‌است اما بر اساس گزارش‌ها، امکانات دولتی به گونه‌ای نابرابر در دست‌ان حزب حاکم، یعنی خاندان مبارک است و دیگر گروه‌های فضایی چندانی برای تحرک اجتماعی ندارند. در قاهره پایتخت مصر، پوسترها و تصاویر مختلفی روی در و دیوار مشاهده می‌شود که روی آنها تصاویر جمال مبارک فرزند «حسنی مبارک» رئیس‌جمهوری مصر و بلندپایه‌ترین مقام سیاسی در حزب ملی حاکم نقش بسته و او را به عنوان نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۲۰۱۱ معرفی می‌کنند. از سوی دیگر، «یمن نور» رهبر حزب «الغد» (فربا) و یکی از فعالان شناخته‌شده اپوزیسیون مصر نیز برنامه گسترده‌ای را در مقابله با انتالف طرفداران جمال مبارک راه‌اندازی کرده که به «مصر برای تو بزرگ است» نامگذاری شده است.
نمی‌تواند عهده‌دار پست ریاست‌جمهوری باشد و درحال حاضر و با توجه به اینکه مقام‌های بلندپایه حزب حاکم با نامزدی او مخالف هستند و از مبارک پدر حمایت می‌کنند، جمال از طریق شخص ثالث در حال اعلام پیگیری خواست خود برای نامزدی در انتخابات است.

دولت مصر اخیراً تلاش زیادی داشته تا از محبوبیت رقبای احتمالی ریاست‌جمهوری در مصر جلوگیری کند، اما البرادعی ۶۷ساله به عنوان یک چهره مهم بین‌المللی از شهرت و محبوبیت نسبتاً بالایی چه در داخل و چه در خارج از کشور برخوردار است که می‌تواند تنها شانس برای نجات از تلاوم حکومت خانواده مبارک باشد.
حسنی مبارک در حال حاضر بیست و نهمین سال حضور خود در راس قدرت در مصر را می‌گذراند و پیش از این، حتی حرف زدن در مورد جانشین احتمالی او در این پست، جرم محسوب می‌شد.
حالا اما مبارک ۸۱ ساله است و دوران ریاست‌جمهوری فعلی‌اش هم در سال ۲۰۱۱ میلادی به پایان می‌رسد.
حالا امیدها و نگرانی‌های زیادی در خصوص جانشین احتمالی او به وجود آمده‌است و بسیاری از صاحب‌نظران گمان می‌کنند او تلاش دارد پسرش جمال مبارک را جانشین خود کند.
جمال فرزند ۴۳ساله حسنی مبارک و وارث پدر، اعتقاد چندانی از اصلاحات ساختاری قدرت و اشاعه دموکراسی و آزادی‌های مدنی ندارد.
گرچه وی تلاش کرده با ارائه طرح‌های مدون اقتصادی، خود را به کنترل بحران در سطح جامعه موظف نشان دهد ولی اکثر مخالفان، وی را فردی بی‌تجربه در عرصه سیاسی دانسته و بر این باورند که جانشینی جمال مبارک



می‌تواند مهر تاییدی بر وراثتی بودن قدرت در سرزمین فرامخته قلمداد شود، همین چشم‌انداز اما نسل جوان مصر را به مخالفت با حکومت موروثی در مصر سوق داده و این جنبش دانما دارد قدرتمندتر می‌شود.

البرادعی اکنون کسی است که از دید اکثریت منتقدان گزینه مناسبی برای انتخابات ریاست‌جمهوری مصر محسوب می‌شود و نامزدی وی را تنها مسیر برای رهایی از قدرت‌نمایی مبارک می‌دانند، چراکه معمولاً در کشور مصر برگزاری تظاهرات غیردولتی و علیه دولت کاری قانونی نبوده و جرم محسوب می‌شود. در واقع اپوزیسیون مصر موقعیت زیادی برای ابراز وجود در طیف سیاسی این کشور ندارد اما مدتی است که کمپین حمایت از البرادعی برای شرکت در

انتخابات ریاست‌جمهوری مصر به شدت از سوی گروه‌های اجتماعی مصر مورد توجه قرار گرفته است. «جمعیت ملی تغییر» در بیانیه‌ای خواستار پایان حالت فوق‌العاده در مصر، خامنه دادن به اشراف و نظارت کامل دستگاه قضایی مصر بر روند انتخابات، نظارت محلی (گروه‌های داخلی) و بین‌المللی بر انتخابات، ارائه فرصت‌های مناسب و کافی به تمام نامزدها برای حضور در رسانه‌ها به ویژه در انتخابات ریاست‌جمهوری شده است.
اجازه دادن به مصری‌های خارج از کشور برای رای دادن در سفراتخانه‌ها و مراکز کنسولی، تضمین حق نامزدها برای نامزد شدن در انتخابات بدون در نظر گرفتن قید و بندها و شروط ظالمانه که در این مساله باید به تعهدات مصر به توافقنامه‌های بین‌المللی حقوقی و سیاسی توجه شود و همچنین یک شخص باید تنها برای دو دوره حق ریاست‌جمهوری کنونی داشته باشد و انتخابات باید بر پایه کد ملی شرکت کنندگان برگزار شود از دیگر موارد مطرح شده در کمیته جمعیت ملی تغییر است.

«صابر ابوالفتوح» عضو پارلمان مصر و یکی از اعضای گروه «آخوان المسلمین» که از طریق شبکه اینترنت برای «جمعیت ملی تغییر» البرادعی امضا جمع می‌کند، پیش‌بینی کرد کمپین یک میلیون امضا در یکی دو هفته آینده به سقف میلیون امضای خود دست یابد. گروه‌های مردمی حامی البرادعی در حال حاضر از طریق پایگاه‌های اینترنتی با حضوری در شهرها و روستاها در حال جمع‌آوری امضا برای رفع موانع قانونی حضور وی در انتخابات ریاست‌جمهوری مصر در سال ۲۰۱۱ هستند.
البرادعی در دسامبر ۲۰۰۹ اعلام کرد به شرط اینکه مواد ۷۷، ۷۷۶ و ۸۸ قانون اساسی اصلاح و راه برای نامزدهای مستقل هموار شود، در انتخاباتی شفاف و آزاد به عنوان نامزد ریاست‌جمهوری شرکت خواهد کرد.
با اینکه تاکنون گروه‌های مخالف حزب حاکم مصر و فعالان مردمی تظاهرات بسیاری را برای جمع‌آوری یک میلیون امضا برای «جمعیت ملی تغییر» البرادعی انجام داده‌اند تا وی بتواند با اصلاحات قانونی موانع را برای ورود به انتخابات ریاست‌جمهوری از بین ببرد، در همین حال «جمال مبارک» پسر «حسنی مبارک» رئیس‌جمهوری مصر با راه‌اندازی کمپینی مشابه کمپین البرادعی در حال جمع‌آوری حمایت‌های مردمی برای حضور خود در انتخابات ریاست‌جمهوری است.
تلیفات گسترده وی در خیابان‌های قاهره سوال‌های بسیاری در افکار عمومی مصر به وجود آورده مبنی بر اینکه حامیان مالی وی در شرایطی که او هنوز تایتول حزب حاکم مصر را برای شرکت در انتخابات ندارد، چه کسانی هستند.

یکشنبه پیش ایستاده زیر آسمان سرب‌بی‌رنگ پاکستان به دریایی از درد و رنج نگاه می‌کردم. سیلاب‌ها در طول راهشان هزاران شهر و روستا را از بین برده است. جاده‌ها، پل‌ها و خانه‌ها در بسیاری از استان‌های کشور ویران شده است.

من از آسمان هزاران جریب کشتزار را دیدم – وسیله معاش در اقتصاد پاکستان – که در سیلاب و گل و لای فرو رفته است. روی زمین مردمان وحشت‌زده‌ای را دیدم که زندگی‌شان ترس‌های روزانه بود، از اینکه نتوانند به کودکان‌شان غذا برسانند یا اینکه نتوانند در مقابل موج بحران‌های بعدی از آنها محافظت کنند؛ بحران‌هایی چون گسترش اسهال، هیاتیت، مالاریا و وبای بسیار کشنده.

مقیاس گسترده بدبختی قابل درک نیست. در سرتاسر کشور تقریباً ۱۵ تا ۲۰ میلیون نفر آسیب دیده‌اند که بسیار بیشتر از تعداد جمعیت آسیب‌دیده‌ها در تسونامی اقیانوس هند و زمین‌لرزه کشمیر در سال ۲۰۰۵ است. گویی گردباد ترگس در سال ۲۰۰۷ با زمین‌لرزه هائیتی با هم ترکیب شده‌اند. مساحتی بزرگ‌تر از کشور ایتالیا و بسیار بزرگ‌تر از نیمی

از کشورهای دنیا – تقریباً ۱۶۰ هزار کیلومتر مربع یا ۶۲ هزار مایل مربع– زیر آب است. چرا دنیا در درک ابعاد این فاجعه کند بوده است؟ شاید به این دلیل که در مورد این مصیبت برنامه‌ای در تلویزیون ساخته نشده است. برنامه‌ای با ضرب‌های ناگهانی و عملیات نجات دراماتیک. یک زن‌زله ممکن است جان ده‌ها هزار نفر را در یک لحظه بگیرد و در یک تسونامی تمامی شهرها و جمعیت آن در یک آن ناپدید شوند. در مقایسه، این سیل یک فاجعه تدریجی است که در طول زمان ایجاد شده و بسیار دیرتر به پایان می‌رسد. باران‌های موسمی می‌تواند هفته‌ها ادامه داشته باشد. در حالی که آب بعضی مناطق پسرقت می‌کند، سیل جدیدی بقیه مناطق را تحت تاثیر قرار می‌دهد، به خصوص مناطق جنوبی را. و بله ما می‌دانیم که همه

پاکستان هم اکنون به کمک نیازمند است

کشتزارهای مرگ

بان کی مون *

ترجمه: نرژت امیرآبادیان



اینها در یکی از پرچالش‌ترین مناطق جهان اتفاق افتاده است؛ جایی که ثبات و رونق اقتصادی آن به سود تمام دنیا است و به تمام این دلایل، سیل ماه آگوست تنها یک فاجعه برای پاکستان نیست. حقیقتاً این بحران یک آزمایش جهانی بزرگ در زمان ماست.

به همین دلیل است که سازمان ملل برای این امر فوق‌العاده درخواست ۴۶۰ میلیون دلار کرده است. این مبلغ که کمتر از یک دلار در هر روز برای هر نفر است، می‌تواند شش میلیون نفر را در طول سه ماه آینده زنده نگه دارد که شامل ۳/۵ میلیون کودک نیز می‌شود. کمک‌های الزامی بین‌المللی در هر روز بیشتری می‌شود که کمتر از یک هفته بعد درخواست‌ها روانه شدند. ما اکنون در نیمه‌ار هشتیم و هنوز میزان کمک‌ها در مقایسه با میزان آسیب‌های این فاجعه کافی نیست.

□

بررسی اصلاح قانون مهاجرت در امریکا

ترجمه: جاوید شمودی



قرار داشتن در شرایط به مراتب نامساعدتر به امریکا می‌آیند هیچ‌گونه اظهارنظری نمی‌کنند. بسیاری از این مهاجران به خاطر شرایط نامطلوب سیاسی و مذهبی خود ناچار به مهاجرت می‌شوند. به نظر من تسهیل شرایط برای مهاجران امریکای لاتین و نادیده گرفتن کسانی که سال‌ها برای ورود قانونی به ایالات متحده در صف انتظار هستند یک بی‌عدالتی محض و البته نابخشودنی است.

گلی کری مدیر انجمن ملی پروتستان‌های انجیلی نیز در صحبت‌های خود به این موارد اشاره کرد: در واقع از آن پرداخته‌اند. سازمان متبوع من نسبت به این گونه اظهارنظرها انتقاد جدی دارد. تاکنون تقریباً تمام اظهارنظرهای رسمی که از سوی گروه‌های مذهبی در اعتراض به اصلاح قانون مهاجرت شکل گرفته است به نوعی در حمایت از عفو مشروط مهاجران غیرقانونی بوده است. باید به این موضوع اشاره کنم که احتمالاً بیشتر کسانی که این گروه‌ها ادعای نمایندگی آنها را دارند با نظرات این گروه‌ها مخالف هستند. ما همچنین معتقدیم استدلال‌های دینی محکمی را می‌توان برای اجرای این قانون ارائه کرد و همزمان حاکمیت ملی را نیز در نظر گرفت. اصلاحات باید بیشتر با هدف اجرای عدالت و مساوات انجام شود. به نظر می‌رسد حامیان اصلاح قانون مهاجرت خواهان اعطای عفو مشروط به مهاجران غیرقانونی هستند و استدلال آنها نیز این است که بخش عمده‌ای از این مهاجران به دلایل اقتصادی از امریکای مرکزی و مکزیک وارد ایالات متحده می‌شوند اما همین افراد در مورد مهاجرانی که از سایر کشورها و از قاره‌های آسیا و آفریقا و به خاطر

چهار

یکشنبه ۳۱ مرداد ۱۳۸۹

یادداشت

فرستی برای صلح

اردشیر زارعی قنواتی

حکم جدید دیوان عالی کلمبیا در خصوص رد توافق «الاورو اوریه» رئیس‌جمهوری سابق این کشور با ایالات متحده برای احداث پایگاه‌های جدید نظامی در سال ۲۰۰۹ میلادی، می‌تواند فراتر از مبنای حقوقی در حوزه سیاسی نیز بااهمیت تلقی شود. در حکم این دیوان قید شده است توافق انجام‌شده با توجه به اینکه به تصویب و تأیید پارلمان نرسیده، برخلاف قانون اساسی و بی‌اعتبار است. این در حالی است که اوریه قبلاً استدلال کرده بود توافقنامه مذکور به جهت اینکه در چارچوب پیمان‌های گذشته منعقد شده است احتیاج به تصویب از سوی پارلمان نخواهد داشت. بر اساس توافق دولت بوگوتا با واشنگتن نیروهای امریکایی به بهانه مبارزه با قاچاق مواد مخدر و تروریسم هفت پایگاه نظامی به ظرفیت ۱۴۰۰ سرباز در خاک کلمبیا احداث خواهند کرد. این نیروها که قبلاً در پایگاه «مانتا» در جمهوری اکوادور مستقر بوده‌اند بعد از تحولات سیاسی در این کشور که منجر به پیروزی جناح چپگرا شد، از این کشور خارج شدند. بلافاصله بعد از تهاجم دوجانبه بوگوتا- واشنگتن برای احداث پایگاه‌های جدید نظامی، مخالفت‌های گسترده‌ای در حوزه کشورهای امریکای لاتین و به خصوص کشور همسایه ونزوئلا ابراز شد. تنش بین ونزوئلا و کلمبیا که از قبل به جهت حمایت «هوگو چاوس» از شورشیان چپگرای جنبش «فارک» بروز یافته بود با این اقدام کشور همسایه به شدت رو به وخامت گذاشت. چاوس توافقنامه مربوط به احداث پایگاه‌های نظامی امریکا در کلمبیا را در راستای زمینه‌چینی برای حمله به کشورش توصیف کرد و به مجمع کشورهای امریکای لاتین شکایت برد. در جلسه سران کشورهای منطقه که چند روز بعد از این توافقنامه برگزار شد، رئیس‌جمهوری آرژانتین «کریستینا فرناندز» این اقدام را مفید ندانسته بود و «لویژ ایناسیو لولا داسیلوا» رئیس‌جمهوری برزیل نیز خواستار برگزاری جلسه‌ای با حضور «پاراک اوپاما» رئیس‌جمهوری امریکا و رهبران منطقه برای برطرف کردن نگرانی در این خصوص شد. این موضوع تا روز هفتم آگوست ۲۰۱۰ که اوریه در مسند ریاست‌جمهوری قرار داشت همچنان موجب سردی روابط بین بوگوتا - کاراکاس بوده است و تنها زمانی که «مانوئل سانتوس» رئیس‌جمهوری جدید کلمبیا با پیام صلح مراسم تحلیف خود را به جا آورد، تا حدودی کاهش پیدا کرد. سیگنال‌های تنش‌زدایی



که از سوی رئیس‌جمهوری جدید کلمبیا برای چاوس ارسال شد با واکنش مثبت کاراکاس روبه‌رو شد و سه روز بعد روسای جمهوری دو کشور در یک دیدار تاریخی در شهر «سانتا مارتا» با هم گفت‌وگو کرده و نسبت به آینده روابط دوجانبه اظهار خشنودی کردند. از آنجا که ونزوئلا دومین شریک تجاری کلمبیا پس از امریکا و بزرگ‌ترین تأمین‌کننده انرژی در منطقه هم است، قطع رابطه دو کشور که در ماه‌های پایانی زمامداری اوریه اتفاق افتاد بیش از هر چیز به منافع ملی کلمبیا آسیب رسانده بود. قوه قضایی کلمبیا که تا حدود زیادی طی سال‌های اخیر توانسته است استقلال خود را از نفوذ قوه مجریه حفظ کند قبلاً نیز در جریان تحقیقات مربوط به فساد پلیس در شنود مکالمات مخالفان و همکاری با جوخه‌های مرگ راست‌گرایان افراطی علیه دولت اوریه اقامه دعوی کرده بود. همچنین دیوان عالی کشور در فوریه سال ۲۰۱۰ بعد از آنکه در اکتبر سال ۲۰۰۹ طرح دولت برای تغییر قانون اساسی جهت هموار کردن راه برای دور سوم ریاست‌جمهوری اوریه در پارلمان به تصویب رسید، با حکم غیرقانونی دانستن این مصوبه رای به ابطال آن صادر کرد.

حکم جدید دیوان عالی کشور کلمبیا به یکی از چالش‌برانگیزترین موارد اختلاف بین بوگوتا با کشورهای عضو مجمع امریکای لاتین پایان داده و زمینه را برای سیاست تنش‌زدایی رئیس‌جمهوری جدید این کشور با همسایگان بولیواری هموار می‌کند. چنانچه حکم دیوان عالی کلمبیا را همزمان در راستای پایان دوران ریاست‌جمهوری اوریه، تلاش برای کاهش تنش با ونزوئلا ادامه می‌جو که چاوس جهت میانجیگری بین بوگوتا و شورشیان فارک و از گروهان‌های در دست‌این گروه چپگرای شورشی مورد ارزیابی قرار دهیم، به نظر می‌رسد بستر برای یک تغییر در حوزه داخلی و خارجی در این کشور مهیا شده است. این تغییر با توجه به موقعیت منطقه‌ای و حوزه تمدنی مشترک در بین کشورهای امریکای لاتین یک تحول دوسویه خواهد بود که هر دو طرف را برای کسب منافع ملی و صلح منطقه‌ای متافع می‌کند. از طرف دیگر بعد از روی کار آمدن «پاراک اوپاما» رئیس‌جمهوری امریکا، سیاست دخالت مستقیم در امور امریکای لاتین و حمایت از راستگرایان افراطی در این منطقه تا حدودی آلودیت خود را از دست داده است و این می‌تواند بستر همکاری بین اکثریت بولیواری و اقلیت محافظه‌کار را در تجمع تمام این عوامل تاثیر گذار و ارتباط گاتیکتی این رخدادها در فضای جدید، این ادعا که امریکای لاتین در مسیر کاهش تنش و دستیابی به تفاهات حادقلی حرکت می‌کند چندان دور از ذهن نخواهد بود. امریکای لاتین زادگاه دیکتاتورهای نظامی و مبارزات مبتنی بر جنبش‌های چرکی چپگرا در بدیل چنین خونتاهایی بوده است، به همین دلیل تنش ژئوپولیتیک در چارچوب نفی و موقعیت سلبی در بطن ساختارهای سیاسی موجود رقم خورده است که با تغییر معادلات قدرت و دگرگونی در شرایط جدید می‌توان به تحقق یک صلح حادقلی و درون‌رفت از فضای بسته فعلی امیدوار بود.

منبع: شورای روابط خارجی